

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال شانزدهم، شماره شصت و یکم، بهار ۱۴۰۳، ص ۱۷-۳۸

اخلاق حرفه‌ای لشکریان در روضه العقول

معصومه بویری، * مریم محمودی، ** پریسا داوری ***

10.71630/parsadab.2024.1028692

چکیده

اخلاق حرفه‌ای رشته‌ای جدید از علم اخلاق است که با مبانی ارزشی و اعتقادی، ارتباط نزدیکی دارد. هر شغل و حرفه‌ای متناسب با خود، مسئولیت‌های اخلاقی خاصی ایجاد می‌کند و اخلاق حرفه‌ای با توجه به راهکارهای سالم‌سازی ارتباطات این زمینه نقش مهمی دارد. این مقاله با هدف بررسی اخلاق حرفه‌ای لشکریان در روضه العقول و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی نوشته شده است. روضه العقول از جمله کتب نثر فارسی و تحریر دیگری از مرزبان‌نامه است که محمد بن غازی ملطیوی در قرن ششم تألیف کرده است. یکی از موضوعاتی که در این کتاب به روشنی تبیین شده، جایگاه و اهمیت لشکر و نیروهای لشکری در حکومت و بین طبقات مختلف جامعه است که می‌توان اخلاق حرفه‌ای این قشر از جامعه آن روزگار را از آن استخراج کرد. پرسش‌های اصلی این تحقیق این است که لشکر

* دانشجوی گروه دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
masoumeh.boveyri@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول)
m.mahmoodi75@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
Parisa.davarii@gmail.com

و لشکریان در روضه العقول چه جایگاهی دارند و به کدامیک از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای لشکریان در آن اشاره شده است؟ یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که صلح‌طلبی و پیشی نگرفتن در جنگ، داشتن تعهد و تخصص، صبر و استقامت و تحمل شدائد، رعایت سلسله‌مراتب و اطاعت از مافوق، آگاهی و آمادگی در برابر دشمن، یاریگری، وفاداری، شجاعت، پرهیز از شیخون زدن و پرهیز از غارت، از جمله اصولی است که در اخلاق حرفه‌ای لشکریان در روضه العقول مورد توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: متون نثر، روضه العقول، اخلاق حرفه‌ای، لشکر.

۱. مقدمه

اخلاق جمع کلمه «خلق» در اصل، «ملکاتی است که در نفس انسان حاصل می‌شود و بر سلوک و رفتار او تأثیر می‌گذارد؛ یعنی به اعمال انسان در زندگی جهت می‌دهد. اخلاق، حالتی درونی است که آن را از کردار و رفتار فرد کشف می‌کنیم» (زمانی فریزه‌ندی، ۱۳۸۱: ۷۱). اخلاق را به انواعی تقسیم کرده‌اند؛ از جمله: اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق خانواده و اخلاق حرفه‌ای. این تقسیمات اخلاق، متناسب با ارتباطات و موقعیت‌های مختلف انسان است. او در ارتباط با افراد و شرایط مختلف، در خانه، در جامعه و یا در موقعیت‌های شغلی خود، رفتار و سلوک متفاوت دارد.

پیوند اخلاق و حرفه قدمت زیادی دارد و همه اندیشمندان و فیلسوفان و حکیمان بر آن تأکید کرده‌اند. علم اخلاق قرن‌ها قبل از میلاد مسیح در مشاغل و حرفه‌های گوناگون وارد شده است. اولین قانون تدوین‌شده در زمینه اخلاق حرفه‌ای به سوگندنامه پزشکی بقراط در یونان باستان برمی‌گردد که در آن وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی پزشکان مشخص شده بود (حسینیان، ۱۳۹۹: ۱۲). اخلاقیات والا و مثبت، باعث ایفای نقش سازنده و مثبت در شغل و حرفه افراد می‌شود و در برابر بروز اخلاقیات منفی همچون بخل، طمع، بی‌انصافی، تحقیر دیگران و غرور و تکبر، تعهد و مسئولیت حرفه‌ای رنگ می‌بازد.

اخلاق حرفه‌ای «Ethics Work» یا «Professional Ethics» به معنای اخلاق کار و اخلاق مشاغل به چالش‌ها و معضلات اخلاقی شاغلان در یک حرفه اختصاص دارد. «نخستین و

مهم‌ترین وظیفه اخلاق حرفه‌ای، رشد و توسعه قوانینی مبتنی بر اخلاق در شغل مورد نظر است» (همان: ۲۴). در واقع اخلاق حرفه‌ای در پی «تبیین مبانی، الزامات و مسئولیت‌های اهل حرف و صنایع است؛ مسئولیت‌های فرد در قبال خود و دیگران در زندگی شخصی، مسئولیت‌های فرد در قبال خود و دیگران در زندگی شغلی و همچنین، مسئولیت‌های فرد در قبال صنف و سازمان در قبال محیط بیرونی» (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). بدین ترتیب می‌توان گفت اخلاق حرفه‌ای مجموعه قوانین اخلاقی است که «در وهله اول، از ماهیت حرفه یا شغل به دست آمده است. اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت اخلاقی فرد از حیث شغل است. پزشک به‌عنوان شخص حقیقی، مسئولیت‌های اخلاقی دارد. مسئولیت‌های اخلاقی او برخاسته از شغلی است که بر دوش گرفته است؛ به‌گونه‌ای که اگر شغل دیگری می‌پذیرفت، مسئولیت‌های اخلاقی وی تغییر می‌کرد. هر شغلی به اقتضای حرفه‌ای، مسئولیت‌های اخلاقی خاصی می‌آفریند. اخلاق در این مفهوم، شغل وابسته است که برحسب تنوع مشاغل، اخلاقیات خاصی را موجب می‌شود» (همان: ۱۷۲). ژکس اخلاق حرفه‌ای را از شعبه‌های جدید اخلاق می‌داند که می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ دهد و برای آن، اصولی خاص متصور است. از سوی دیگر این اخلاق دربرگیرنده مجموعه‌ای از احکام ارزشی، تکلیف‌های رفتار و سلوک و دستورهایی برای اجرای آنهاست (ژکس، ۱۳۵۵: ۹۲). بنابراین اخلاق حرفه‌ای متضمن موفقیت و پیشرفت در امور مربوط به بدن حرفه است. در رابطه با پیوند عمیق اخلاق و موفقیت امام علی (ع) فرموده‌اند: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا تَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ»؛ اگر ما امیدی به بهشت و ترسی از دوزخ و انتظار ثواب و عقاب نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ چراکه آنها راهنمای رستگاری هستند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۹۳).

در تمدن ایرانی-اسلامی آثار بسیاری وجود دارد که با پشتوانه فرهنگی و دینی بسیار قوی در آنها، به آداب و سنن و اخلاق حرفه‌ای مشاغل پرداخته شده است؛ فتوت‌نامه‌ها از این قبیل‌اند. در فتوت‌نامه‌ها «از آمیزش ضروریات و تجربیات فرهنگی چند هزارساله ایران و اسلام، در آیین فتوت پیشه‌وران ایرانی، مکتبی جامع به وجود آمده است که از نظر ارج نهادن

به کار، نوع دوستی و طبیعت دوستی و همکاری، قابل مقایسه با هیچ مکتب و مسلکی در زمینه کار و تقدم منافع جمع و جامعه بر فرد و دلخواسته هایش نیست؛ مکتبی که به کار تنها از منظر اقتصاد و اقتصاد سیاسی نگاه نمی کند، بلکه به دنبال اقتصاد اجتماعی و اقتصاد روانی و زیبایی شناسی و اخلاق و تبلور دین داری در کار نیز هست» (فرهادی، ۱۳۹۰: ۶).

۱-۱. پیشینه تحقیق

کتاب *روضه العقول* با وجود ارزش و اهمیت متأسفانه چندان مورد نظر نویسندگان و پژوهشگران نبوده و مقالات و کتاب های در ارتباط با این کتاب نوشته نشده است. آنچه نوشته شده نیز در ارتباط با موضوع این مقاله، یعنی اخلاق حرفه ای، نیست. برخی از این مقالات عبارت اند از:

- «بررسی مؤلفه های عدالت اجتماعی و نگرش به زنان در کتاب های سیاست نامه، روضه العقول، سندبادنامه و فرائد السلوک» (جمالی و همکاران، ۱۴۰۰)؛
- «اتحاد دین و سیاست از نظرگاه روضه العقول (مرزبان نامه بزرگ ساسانی)» (جمالی و همکاران، ۱۳۹۸)؛

- «بررسی و مقایسه کیفیت آموزه های تعلیمی در حکایت "مناظره دیو گاوپای با مرد دینی" از روضه العقول با حکایت "دیو گاوپای و دانای دینی" از مرزبان نامه» (حاجی پور، ۱۳۹۸).

درباره اخلاق حرفه ای در متون ادبی تحقیقات زیادی انجام نشده است و با توجه به بررسی انجام شده فقط می توان به مقاله «سنایی و اخلاق حرفه ای» (موسوی سیرجانی و منصور، ۱۳۹۵) اشاره کرد که در آن، نویسندگان به اخلاق حرفه ای عرفا و ابعاد گوناگون آن از دیدگاه سنایی در *حدیقه الحقیقه* پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که سنایی تأکید می کند که خداوند متعال برترین زیبایی و مشخص کننده ملاک نهایی اخلاق است. در این نظام روشنی بخش، تقرب به خدا و کسب رضایت او، دستیابی به عدالت فراگیر اجتماعی، آزادی و حرمت انسان، آرمان اخلاق است. بیشترین سود برای بیشترین کسان نیز از جمله اهداف زندگی اجتماعی در ساحت های فردی، شغلی و اجتماعی است.

۲-۱. روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. معرفی کتاب روضه العقول

روضه العقول از جمله کتب نثر فارسی است که از کلیله و دمنه تأثیر پذیرفته و در سال ۵۹۸ق محمد بن غازی ملطیوی، منشی و وزیر سلطان رکن‌الدین سلیمان بن قلیچ ارسلان، از سلاجقه روم، آن را به نثر مصنوع نوشته است. اصل این کتاب به زبان طبری بوده است که سعدالدین وراوینی با نام *مرزبان‌نامه* و محمد بن غازی ملطیوی با نام *روضه العقول* آن را به فارسی دری ترجمه و بازنویسی کردند. این کتاب در سیزده باب نگارش شده است. در باب آغازین، نویسنده به القاب رکن‌الدین سلیمان‌شاه و به آغاز کار خاندان سلجوقی اشاره کرده و در باب دوم با عنوان «باب احوال من صنع هذا الكتاب» به شرح زندگی خود پرداخته است. یازده باب دیگر به بیان ۹۱ حکایت و داستان اختصاص دارد و مطالب آن از زبان آدمیان و وحوش و طیور و دیو و پری بیان شده است. در نگارش این کتاب تکلف و تصنع بسیار مشهود است. استفاده فراوان از واژگان عربی و ویژگی سبکی *روضه العقول* است که در مقایسه با کتاب‌های هم‌طراز آن به‌ویژه *مرزبان‌نامه* چشمگیر است. «ارزش واقعی این اثر، آنگاه آشکارتر خواهد شد که در کنار *مرزبان‌نامه* سعدالدین وراوینی قرار گیرد؛ چه از این طریق است که اهل تحقیق می‌توانند به میزان دخل و تصرفاتی که هرکدام از این دو منشی (سعدالدین وراوینی و محمد بن غازی ملطیوی) در اصل *مرزبان‌نامه* کرده‌اند، پی برند» (نظری، ۱۳۷۹: ۱۳۶).

روضه العقول بنا به خواست ابوالفتح سلیمان‌شاه بن قلیچ ارسلان بن مسعود بن قلیچ ارسلان به نام او نوشته شده است. رکن‌الدین سلیمان‌شاه «بر شهر توقات و نواحی اطراف آن حکم می‌راند، علاوه بر گرامیداشت مقدم ادبا و فضلا، خود نیز طبع شعر داشت و اشعاری از وی باقی مانده است» (روستا، ۱۳۹۴: ۱۱۱). داستان‌هایی که در *روضه العقول* آمده، عرصه

ای برای بیان مسائل مختلف دینی، اخلاقی و اجتماعی است. نویسنده در این کتاب مانند کتاب‌های مشابه، نکات پندآموز اخلاقی را در قالب قصه ارائه کرده است.

۲-۲. اهمیت لشکر و لشکریان در روضه العقول

یکی از موضوعاتی که در *روضه العقول* به روشنی تبیین شده، جایگاه و اهمیت لشکر و نیروهای لشکری در حکومت و بین طبقات مختلف جامعه است. واژه لشکر و لشکریان با فراوانی ۱۴۰ در سراسر کتاب به کار رفته است.

نظام ممالک و امن رعیت و قوام حکومت و قهر اعدای و نصر موالی و دفع شر خصوم و منع تظاول اغیار، از مهم‌ترین کارکردهای لشکر است (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۵). در ایران، همواره لشکریان و نیروهای نظامی اهمیت بسیار داشته‌اند. موقعیت جغرافیایی ایران و وجود قدرت‌های بزرگ در همسایگی این کشور، اهمیت وجود این تشکیلات را توجیه می‌کند. پس از ورود اسلام به ایران هم بر اهمیت نیروهای نظامی تأکید شد. هر پادشاه باید شهری محکم و استوار داشته باشد که «اندر او درویش و کاهل نباشد بلکه از تجار متمول و اطبای حاذق و منجمان ماهر و لشکر شجاع با آلت و عدت تمام موشح بود» (همان: ۱۱۳). اجرای قوانین و برخورد با مخالفان بدون وجود لشکریان قدرتمند امکان‌پذیر نیست؛ در تأیید و تأکید بر این مهم در قسمت دیگری از کتاب آمده است: «گفته‌اند که کرم، شیمت فضلاست و شجاعت سیرت لشکریان و سخاوت عادت دهقانان و این طوایف در ملک حشمت زیادت گردانند و در پادشاهی نظام به کمال رسانند» (همان: ۱۳۱) و در ادامه، این سه طبقه را شریف‌ترین خلایق گفته است. رجحان پادشاه بر پادشاه به کثرت لشکر و فزونی اعوان و انصار اوست (همان: ۴۷۰). «نظام دولت و قوام حضرت به لشکر تعلق دارد» (همان: ۳۶۴). اهمیت لشکر تا آنجاست که آن را از عوامل رجحان حکومت‌ها دانسته‌اند: «و پادشاه را که بر پادشاه رجحان باشد، به چهار چیز تواند بود: یکی آنکه به نفس خود شجاع عاقل و مبارز کامل بود؛ و دوم که به یمن رای و حسن تدبیر مشهور باشد؛ و سیم آنکه به کثرت لشکر و فزونی انصار و اعوان موصوف بود؛ و چهارم به آلت و عدت» (همان: ۴۷۰).

وضعیت اقتصادی لشکریان و توجه و رسیدگی به معیشت آنان از جمله اموری است که در *روضه العقول* به آن توجه بسیار شده است. از آنجاکه بیشتر جنگجویان، سپاهیگری را

شغل و منبع درآمد خود می‌دانسته‌اند، توصیه‌های فراوانی برای رعایت حقوق مادی آن‌ها در کتب مختلف شده است. از قول انوشیروان در *روضه العقول* می‌خوانیم: «سلطنت به لشکر است و لشکر به مال و مال از عمارت ولایت و عمارت ولایت از کمال معدلت و وفور انصاف و شمول سیاست و اطلاع بر عجر و بجر رعایا» (همان: ۸۵). بر همین نکته بازهم تأکید شده است: «بدان که کثرت سپاه به مال تعلق دارد و مال به بندگان کافی و عمارت ولایت» (همان: ۴۷). همواره باید سهم بزرگی از ثروت و عایدات مملکت به امور لشکر و لشکریان اختصاص یابد «تا چون دشمن مستظهر شود؛ و چون معاند معتصد گردد، به دفاين و خزاین شرار اشراز از خود دفع کند؛ از آنکه تیغ پولاد به زره پولاد مدفوع شود، و از این سبب گفته‌اند: رد الحجر من حیث اتاک فان الشر لا یدفعه الا الشر» (همان: ۴۷۰). پادشاه همچون کشاورزی است که دانه را از جهت سود و زیادتی در زمین می‌پاشد نه از سر غرور و سرمستی؛ پس در توصیه به پادشاه گفته شده است که «چون وقت بذل و منایح لشکر آید، در آن به طبع و طوع سماحت را تقدیم دار و سخاوت را امام ساز، از آنکه مال پادشاه را چون آلت است محترف را» (همان: ۱۰۹). وقتی لشکریان مطمئن باشند که خانواده‌شان از مال و امکانات کافی برخوردارند، مشغول خانه و خانواده نمی‌شوند و ناراحتی و دغدغه‌های مالی مانع تلاش آن‌ها در عرصه جنگ نمی‌گردد. تأمین مالی از اصلی‌ترین زمینه‌های اخلاق حرفه‌ای است؛ زیرا دغدغه معاش، زمینه‌های تحقق اخلاق حرفه‌ای را دشوار می‌کند. توجه به امور لشکر، فقط جنبه مالی و اقتصادی ندارد؛ گاهی لطف و عنایت پادشاه و فرمانده تنها کلامی و احساسی است: «اگر حالی در تشریف لشکر زیادتی تعطیف نرود و احساس ایشان را چنان‌که لایق حضرت جلت است تقدیم نیفتد، به مناغات زبان و مراعات بیان ایشان را مرفه دار و مگذار که جهت علف در اطراف بلاد وتر جای دشمن متفرق شوند» (همان: ۱۰۹). بررسی عملکرد کارگزاران و نظارت دقیق و کامل بر کار و رفتار آنان، و حل معضلات و مشکلات آن‌ها، از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و پایدارکننده اخلاق حرفه‌ای به شمار می‌آید.

فرماندهان جنگ‌ها برای گردآوری و نظم و ترتیب سپاهیان خود نیاز به درایت و دانش دارند؛ زیرا تجهیزات نظامی در میدان جنگ بسیار مهم است. بنابراین ضرورت آگاهی با فنون

و مهارت سپاه‌داری و رعایت قواعد و ضوابط در این زمینه و نظم تجهیزات و همین‌طور ایجاد انگیزه در نیروی جنگجو و آماده ساختن شرایط جسمانی نیروها، تقویت روحیه و تشویق نیروها برای شرکت در جنگ و برقراری ارتباط مؤثر بین نیروها بسیار مورد توجه است. هر فرمانده‌ای که از نقاط قوت و ضعف سپاهیان‌ش بی‌خبر باشد، سرانجامی جز شکست ندارد. پادشاه که شوکت لشکر خود و صولت ایشان چنان‌که هست نداند، مانند آن است که از گربه صید آهو طلبد (همان: ۳۶۶). عرض دادن لشکر از جمله کارهای مهم پادشاه و فرماندهان است؛ زیرا عرض دادن: «منظم حال و مقوم احوال لشکر است، و تمديد اسباب را رايد و تحريض عدد را محرض» (همان: ۱۲۰).

از دیگر لوازم اساسی و مهم لشکر‌داری که حائز اهمیت است، نظارت و ارزشیابی عادلانه و تشویق و ترفیع زیردستان و خدم و حشم است. امام علی (ع) به مالک اشتر فرمود: «مبادا که نکوکار و بدکار در نزدت یکسان باشند، که آن رغبت نکوکار را در نیکی کم کند و بدکار را به بدی وادار نماید، و دربارهٔ هریک از آنان آن را عهده‌دار باش که او بر عهدهٔ خود گرفت» (نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳). در *روضه العقول* نیز آمده است: «هرکه در مصاف مجروح گردد، در اندمال او جد فرمای و هرکه شجاعت کند، او را تبجیل کرامت کن و غرض او به نجاز رسان، و پیشانی مبارک از تجهّم صیانت فرمای که عبوس پادشاه سبب تنفر طباع است. و به وقت حرکت لشکر را از مکامن دشمن نگاه دار» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۸۳).

مدارا کردن و توجه به زیردستان و سربازان نشان‌دهندهٔ عقل و خرد سیاسی است. اگر زیردستان از پاداش و حقوق و عدالت برخوردار باشند، مملکت در امان می‌ماند. «لشکر را به ارعا و ارفاق نصیبی وافر و حظی متکاتر کرامت کنید و هریک را علی‌حده استمالت و استنامت ارزانی دارید که نظام ممالک و امن رعیت و قوام حضرت و قهر اعدای و نصر موالی و دفع شرّ خصوم و منع تطاول اغیار بدیشان تعلق دارد» (همان: ۳۵). وزیر کاردان و باکفایت نیز باید که «اقعام خزائن و اعتبار لشکر و عمارت ولایت صیانت کند، نه آنکه ایسار پادشاه در اعسار لشکر داند، و ابتغای مرضات لشکر بر عمارت ولایت ترجیح نهد» (همان: ۹۲). به نظر فیلد مارشال مونتگمری، سربازان زمانی در بهترین حالت خود قرار می‌گیرند که از آنان خواسته شود با وضع دشوار مقابله نمایند. آن‌ها اگر بدانند که فرمانده‌شان برای بهبود

وضع هر کاری می‌کند، با بیشترین ناراحتی‌ها و محرومیت‌ها خواهند ساخت (ریچارد سون، ۱۳۶۵: ۵۱).

پادشاهان و فرماندهان به امور اقتصادی لشکریان باید آن‌چنان اهتمام داشته باشند که حد اعتدال را رعایت کنند؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها از فقر و غنا و فراغ دور باشند؛ زیرا «عوز مکنّت و بطن نعمت را بد استکبار و مقدم تمرد است» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). در روضه العقول بر این نکته اصرار شده است که لشکریان باید عزیز باشند نه متمول؛ زیرا «چون لشکر املاک و عقار سازند، دهقان طبع شوند و به وقت مصاف، همت بر هزیمت مصروف و نهمت بر فرار موقوف دارند، و نیز از آن تخریب ولایت و تعذیب رعیت حاصل شود» (همان: ۱۲۸). در دوران صلح و آرامش نیز لشکریان باید به خدمات دیگر مشغول باشند نه ثروت اندوزی؛ «اگر از مصارحت دشمن و مصاحرت خصم فراغی باشد لشکر را بر خدمات دیگر تحریض دهی و نگذاری که املاک سازند و عقار و ضیاع خردند و بدان مباهات نمایند؛ بلکه باید که افتخار به شجاعت و اجتهار به مبارزت کنند» (همان: ۱۱۸).

۲-۳. اخلاق حرفه‌ای لشکریان

۱-۲-۳. صلح‌طلبی و پیشی نگرفتن در جنگ

یکی از مسائل مورد نظر بشر در ادوار مختلف تاریخ، مسئله جنگ و صلح و برتری یکی بر دیگری است. خداوند متعال پیوسته مؤمنان را به صلح و رفتار مسالمت‌آمیز در برابر دشمنان دعوت کرده و از جنگ و قتال برحذر داشته است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۶۱)؛ (و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست.)

امام علی (ع) نیز با تأکید فراوان بر کرامت انسانی، پیوسته همه انسان‌ها را به پرهیز از جنگ فرامی‌خواند: «و لا تَدْفَعَنَّ صَلَاحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضَى؛ فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِيُجَنِّدَكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ» (اگر دشمن، تو را به صلح فراخواند و خشنودی خدا در آن بود، آن را ردّ مکن؛ زیرا صلح مایه آسایش سپاهیان تو و راحتی خودت از اندوه‌ها و ایمنی سرزمین توست) (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در روضه العقول نیز پیشی گرفتن در جنگ مذموم دانسته شده است؛ جنگ فتنه‌ای است که پایان خوشی ندارد.

«مسابقت نمودن جهت مقاومت محمود نیست که محاربت فتنه است و استقبال فتنه کردن عاقبت وخیم و خاتمت ذمیم دارد» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۶۵). در صلح فوایدی همچون حفظ قوای نظامی و آسایش فکر و فراغ بال آنان وجود دارد؛ به همین دلیل در باب شاه شیران با شاه پیلان، هنج از مشاوران فیل شاه، او را از آغاز کردن جنگ علیه شیرشاه منع می کند و استمالت لشکر را مفیدتر از مناقشت بی وجه و مقاتلت بی فایده می داند (همان: ۳۵۱).

۲-۲-۳. داشتن تعهد و تخصص

تعهد عاملی است که سبب می شود فرد به دلیل انگیزه‌های درونی و بدون وجود کنترل کننده خارجی، به بهترین شکل ممکن کار خود را انجام دهد. تعهد داشتن به معنی «احترام به اخلاق و ارزش‌های حرفه‌ای و رعایت همگی و همیشگی آن‌ها و درک و رعایت اصول و رموز انسانی و حرفه‌ای است» (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). داشتن حس تعهد باعث می شود فرد خود را در قبال خود و اهدافش و نیز دیگران مسئول بداند؛ این امر موجب رفتار صادقانه‌تر و قابل اعتمادتر می شود.

تخصص در واقع، بیانگر مجموعه‌ای از معلومات، مهارت‌ها، دانش، اطلاعات و آگاهی‌ها و روزآمد کردن آن‌هاست که باعث بهره‌وری بیشتر و نتیجه‌گیری بهتر می شود (همان: ۱۳۷). تخصص و تعهد لازم و ملزوم یکدیگرند. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَادِقًا بِعَمَلِهِ مُؤَدِّيًا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ» (هر صنعتگر از سه خصلت گزیر ندارد تا با آن‌ها کسبش را رونق بخشد: در کارش زبردست باشد، امانتدار باشد و نظر کارفرمای خود را [تأمین و] به خود جلب کند) (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۰: ۲۳۶).

در *روضه العقول* اطاعت و انقیاد لشکریان از پادشاه مصداق تعهد آنان است؛ با وجود لشکریانی مطیع و متقاد، پیروزی بر دشمنان آسان و حتمی خواهد بود: «هرگاه که لشکر خواطر را مغرس ولا و محط هوای تو دارند و صلاح خود بر نجاح تو ترجیح نهند، قهر دشمن به سهولت میسر گردد» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۷۶). یکی از سه شرطی که هنج، مشاور فیل شاه، برای تسلط بر دشمن برمی شمارد، وجود لشکر «به شجاعت معروف و محاربت را به طبع جویان و با خدوم خویش در سرا و ضرا موافق» است (همان: ۳۴۷). این

لشکریان همواره و همه‌جا یار و یاریگر فرمانده (پادشاه) هستند، در نظر آن‌ها رد و قبول و اعنا و اسنای پادشاه برابر است. آنان با صفع و رفع منافق و موافق نمی‌شوند و اعسار و ایسار را تحمل می‌کنند و اگر احسانی ببینند، منت دارند (همان: ۱۴۱). نظامیان متعهد کسانی هستند که در برابر وطن و هم‌وطنانشان نیز احساس مسئولیت می‌کنند و برای حفظ حریم آن‌ها در برابر حمله دشمن وارد عرصه کارزار می‌شوند. آنان در میدان جنگ برای صیانت از مرزهای کشور و دفاع از ناموسشان به دور از حیا و خشم آماده‌ی مقابله با دشمنان می‌شوند: «از بهر منشأ و مولد و تعصب اطفال و عیال جهد مبذول دارید؛ و جهت نظام دولت و قضای حقوق نعمت و از بیم جلا و صعوبت تفرق اقربا و خوف تجرع مرارت تشتت اودا و لسع خاطر از بعد اضراب و زهوق ضمیر از مقاومت اخوان و شین استحواذ ارادل و تحمل تغطرف مشتی و غد ثبات را میان بندید و حیا و تفکر و خشم را از خاطر دور دارید» (همان: ۳۸۶). لشکریان باید جنگ را جنگ خودشان بدانند و خود را مسئول مستقیم دفع تجاوز دشمن تلقی کنند. این همان جنگ بدون تفکر است که در بالا به آن اشاره شد؛ همچنان‌که در قسمتی دیگر از کتاب می‌خوانیم: «محرابت دشمن و مکافحت اعدا هیچ‌کس از سر تفکر نکند الا از سر قوت دل و بسطت ذات» (همان: ۳۵۵).

از سوی دیگر لشکریان متعهد، در امور مربوط به خود متخصص نیز هستند. آن‌ها توان به کارگیری انواع سلاح را آموخته و مهابت سواری و قدرت پیادگی را توأمان دارند (همان: ۳۵۵). در *روضه العقول* با تأکید بر این نکته به پادشاه تذکر داده شده است: «باید که پادشاه لشکر خود را به کار بستن انواع سلاح ماهر گردانیده باشد تا به وقت کار، به هر سلاح که اختیار افتد، کار کند» (همان: ۳۷۶). وجود تخصص باعث می‌شود که فرماندهان در توزیع نیروها با فراغ بال عمل کنند. هر گروه از لشکریان متناسب با مهارت و تخصص خود عهده دار وظیفه‌ای می‌شوند که مناسب و درخور آن‌هاست: «و باید که از لشکر طایفه‌ای که شجاعت موصوف و به حماسه معروف باشند، مقام بر اطراف شهر سازند و هر روز به خدمت حضرت مبادرت نمایند. و از ایشان بعضی باید که در حفظ خزانه و زرادخانه استبداد کنند و بعضی دیگر ملازم خدمت باشند. اما ایشان را باید که مقام محمود و محل مشهود

باشد و تغافل و تجاهل را از خود دور دارد» (همان: ۹۲). چنان‌که مشخص است در جملات مذکور، بر دو اصل تعهد و تخصص برای لشکریان تأکید شده است.

۳-۲-۳. صبر و استقامت و تحمل شدائد

در قرآن کریم آمده است: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (انفال: ۸)؛ (اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفر غالب خواهند شد و اگر صد نفر بوده، بر هزار نفر از کافران غلبه خواهند کرد.) در آیه دیگر آمده است: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۲۴۹)؛ (چه بسیار گروه اندکی که به یاری و اذن خدا بر گروه بسیاری غلبه کرده است و خداوند با صابران است.) با تأمل در این آیات مشخص می‌شود که در جهاد با دشمن، تعداد نفرات اهمیت ندارد؛ بلکه ایمان به خدا و صبر در برابر مشکلات است که نتیجه را تضمین می‌کند. صبری که در جنگ مورد نظر است، صبر بر سختی‌ها و مصیبت‌ها و نداشتن اضطراب و پریشانی در مقابل آن‌ها یا به تعبیر دیگر صبر بر مکروهات است. نقطه مقابل این صبر جزع و فزع و بی‌قراری است. یکی از نتایج صبر آن است که نفس را از مسئولیت‌گریزی در برابر عقل و شرع باز داشته و آن را وادار به پایبندی به وظایفش می‌کند. به همین دلیل در *روضه العقول* تحمل سختی‌ها عامل پیروزی بر دشمن دانسته شده است: «بدانید که قهر دشمن و قمع اعدا از تحمل شدائد و ثبوت قدم و احراز مصالح یکدیگر در وقت شدت حاصل آید» (همان: ۳۸۶)؛ این صبر منتج به شجاعت و ثبات قدم می‌شود. استقامت یا ثبات قدم از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی است که توأم شدن آن با صبر دستیابی به فتح و ظفر را میسر می‌کند. در قرآن هم ثبات قدم از مفاهیمی است که در ارتباط با استقامت و پایداری آمده است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ (اگر خدا را یاری کنید [یعنی دین و پیغمبر خدا را] خدا هم شما را یاری کند و ثبات قدم گرداند.) برای رسیدن به اهداف باید متناسب با آن سختی‌ها و مشکلات را تحمل کرد. دستیابی به آرامش و پیروزی بدون عبور از خطرات و دشواری‌ها ممکن نیست. یکی از نشانه‌های لشکر موافق صبر و بردباری و تحمل نوائب و تجرع شوائب است (همان: ۳۷۵). به برخی از مصادیق صبر و بردباری لشکریان در *روضه العقول* اشاره شده است: «تحمل شدائد

مجاعت و تکفل شدت تعب و اصطبار ظما و طاقت سهر و قدرت احتمال برودت هوا و زفره قیظ» (همان: ۳۵۵).

۳-۲-۴. رعایت سلسله‌مراتب و اطاعت از مافوق

رعایت سلسله‌مراتب و اطاعت از آن از مهم‌ترین روش‌ها و اخلاق حرفه‌ای در بین لشکریان است. «سلسله‌مراتب گونه‌ای از چیدمان اجزا (اشیا، نام‌ها، ارزش‌ها، طبقه‌بندی‌ها و...) است که در آن هرکدام از اجزا به‌شکل بالا و پایین و یا هم‌سطح اجزای دیگر نمایش داده می‌شوند» (رضایی و کریمی خویگانی، ۱۳۹۹: ۱۸۰). هرچه نظام و ارتباط اهداف و نگرش‌ها در بین اجزای سلسله‌مراتب منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، تصمیمات و عملیات هماهنگ بهتر و بیشتر شکل می‌گیرد. در امر لشکررداری تعیین فرمانده یکی از نکات مهم و دقیق است. «اگر همه لشکر تحت فرمان فرماندهی واحدی باشد و در کارزار، افسران و افراد به بهترین وجه از خود مایه بگذارند، برای مقاومت در برابر چنین لشکری، هیچ دشمنی کافی و نیرومند نیست» (جمالی و رستمی، ۱۳۸۰: ۲۸). در باب زیرک و زروی می‌خوانیم که چون زروی مورد عنایت زیرک قرار گرفت و از جانب او به رسالت و فرماندهی سباع درآمد، از زیرک خواست تا در ابتدا موقعیت و جایگاه او را تبیین و مستحکم نماید و خواسته‌اش را چنین بیان می‌کند: «چون مرا به جلباب توفیر تلفع نباشد و به لبس تبجیل تدرع نبود، میان لشکر مرا وفار ممکن نگردد. و هیچ‌کس به وقت اخبار اخبار و احکام احکام سخن مرا اصغا نکند و به جانب من التفات ننماید. بدین سبب مهمات مهمل گردد و اختلال به احوال راه یابد و چون کارها مختل شود، آن اذلال به عرض عزیز سرایت کند و بعد از آنکه تزلزل حضرت تضعضع دولت شایع شد، دست تدارک به آن نرسد» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۰۱).

یکی از ویژگی‌هایی که باید فرماندهان به آن موصوف باشند، غرور نداشتن است (همان: ۱۱۸). ویژگی‌های دیگری برای فرماندهان برشمرده شده است؛ از جمله: «شخصی باشد به شجاعت معروف و به حماست موصوف و به رای متین و فکر مبین مشهور، و در تائق و تنوق مذکور. واقف بر تعبیه لشکر، قادر بر کرّوفر. مطلع بر وقت اقدام و احجام» (همان‌جا). در بخش دیگری از روضه العقول، حد و حدود فرماندهان و سرلشکران معین شده است: «چون او را برلشکر سالار و در نیابت خویش اشتهار ارزانی داری، بنیان اعلائی او چنان

مرصوص گردان که اوامر و نواهی او در مصالح دولت و مناظم مملکت از خوف تعفیر و بیم تعزیر تو، نه از تهدید و تشدید او بر اطلاق نفاذ یابد، تا لشکر شکر و شکایت او ممنوع و مؤثر دانند و مکافات تواضع و مجازات تخاضع خویش از تو توقع دارند» (همان: ۱۱۸).

فرماندهی و فرمانبری لازم و ملزوم‌اند. فرماندهان خوب نیازمند فرمانبران خوب هستند تا در اطاعت از مافوق خود چون و چرا نکنند؛ چنان‌که در *روضه العقول* آمده است: «نظام ملک در مشاورت امر است با یکدیگر تا تقریر نهضت و تمهید اقامت به استصواب یکدیگر کنند و لشکر را بر ایشان اعتراض و از اشارت ایشان اعراض نباشد» (همان: ۱۲۰).

از زمان‌های گذشته تاکنون لباس مردم در طبقات مختلف اجتماعی با یکدیگر تفاوت داشته است. پادشاهان، درباریان، نظامیان، روحانیون، دهقانان و اقشار دیگر با پوشش خاص خود در جامعه ظاهر می‌شدند. به‌طور کلی، لباس و نوع تزئین و پارچه آن عاملی برای تمایز میان سلسله‌مراتب اجتماعی افراد تلقی می‌شده است. وبلن معتقد است لباس ضرورتی اجتماعی است و لباس پوشیدن لازمه حضور در هر جمعی است. این ضرورت اجتماعی نماد جایگاه و سلسله‌مراتب اجتماعی فرد است (Warde, 2017: 35). بر همین اساس در *روضه العقول* می‌خوانیم: «پوشش پادشاه باید که به‌خلاف پوشش لشکر باشد، و کسوت لشکر به‌خلاف لبس رعیت» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

۳-۲-۵. آگاهی و آمادگی در برابر دشمن

ارزیابی دشمن باید دقیق و واقعی باشد. هیچ دشمنی را نباید خرد و حقیر و کم‌توجه به شمار آورد. به حکم عقل انسان باید همیشه و در هر حال متناسب با تجهیزات دشمن خود را مجهز نماید. آمادگی نظامی این امکان را ایجاد می‌کند که در هر زمان و مکان در برابر حملات احتمالی دشمنان آماده باشند. بیداری در برابر دشمن، وقت‌شناسی در جنگ و غافل نبودن از موقعیت دشمن، مصادیقی از آمادگی و تجهیز در برابر دشمن است که در *روضه العقول* به آن‌ها اشاره شده است: «نصر و ظفر و فوز و تأیید به تحفظ اوقات و صون هنگام منوط آمد و چنان‌که در مصالح خویش تیغ شرط است، در مفاسد دشمن تنوق از مواجب باید شمرد، همچنان‌که شطرنج‌باز که اگرچه همت بر بازی خویش مقصور می‌دارد، اما نهمت بر بازی خصم موکول گرداند» (همان: ۳۷۱).

ارکان لشکر عبارت‌اند از: میمنه، میسره، قلب سپاه و مقدمه و ساقه. ساقه قسمت انتهایی لشکر و محل نگهداری آذوقه و سلاح و مهمات لشکر است. به‌واقع چون این بخش از لشکر عهده‌دار تأمین نیازهای اساسی لشکریان بوده، اهمیت بسیاری داشته است. در روضه العقول در باب شاه شیران با شاه پیلان، روباه، مشاور شیر به او توصیه می‌کند که باید «ساقه لشکر به اصحاب حماسه و ارباب فراست سپاری تا لشکر را از ایشان استظهار فزاید» (همان: ۳۷۸). هنج نیز به شاه فیلان درباره بیداری و تیغ در این بخش از سپاه هشدار می‌دهد: «ساقه لشکر باید که مردم متیقظ باشند» (همان: ۳۸۳).

۳-۶۲. یاریگری

تعاون، همکاری، همیاری و همدلی در بین لشکریان در عرصه کارزار بسیار بااهمیت و راهبردی است. امام علی (ع) در جنگ صفین به یارانش فرمود: «هریک از شما که هنگام روبه رو شدن و دیدار با دشمن، در دل خود احساس قوت قلب کند و از یکی از برادران خویش، ترس و ناتوانی ببیند، باید به فضیلت دلاوری خویش که از آن روی بر برادر خود برتری دارد، از برادر خود همان‌گونه دفاع کند که از نفس خویش دفاع می‌کند. اگر خدا می‌خواست او را نیز در دلیری مانند وی می‌آفرید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳). در روضه العقول با توجه به اهمیت این مسئله گفته شده است: «جای مصاف و موضع مطاف چنان باشد که جمله لشکر یکدیگر را صیانت توانند کرد و در تظفیر یکدیگر قیام توانند نمود و مشرف حال و راقب احوال یکدیگر توانند بودن» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۷۵). در باب شاه شیران با شاه پیلان هم شیر خطاب به لشکریانش چنین می‌گوید: «اول صلاح در صیانت خویش دانید، بعد از آن به دفع اذیت دشمن جد نمایید» (همان: ۳۸۶).

در تشکیل سپاه دو نظریه وجود دارد: نظریه اول ایجاد لشکر با ترکیب جمعیتی و قومی متنوع است که به عقیده صاحب‌نظران، باعث برقراری تعادل و ضامن حفظ وضعیت موجود است. در سیاست‌نامه می‌خوانیم: «چون لشکر همه از یک جنس باشند، از آن خطر خیزد و سخت‌کوش نباشند و تخلیط کنند. باید که از هر جنس، لشکر بود؛ چنان‌که دو هزار مرد دیلم و خراسانی باید که مقیم به درگاه باشند؛ آنچه هستند بدارند و باقی راست کنند. و اگر بعضی گرجیان باشند و شبانکاران پارس باشند، روا بود که دین چنین مردم همه نیک بود. عادت

سلطان محمود چنان بودی که از چند جنس لشکر داشتی، چون ترک و خراسانی و عرب و هندی و دیلمی و غوری» (خواجہ نظام‌الملک، ۱۳۴۴: ۱۱۹). براساس نظریهٔ دوم یک جنس بودن سپاه موجب انسجام در فرماندهی و فرمانبری است و همدلی و هم‌زبانی لشکریان را در پی دارد. در باب شاه شیران با شاه پیلان زنج، مشاور شاه فیلان، معتقد به یکدستی و ترکیبی نبودن لشکر است و در توجیه نظر خود می‌گوید: «در مصاف دل‌ها یکی گردد، اگرچه در مهمات دیگر مخالف باشند و نیز اگر یکی در میان افتد و دیگری به کنار سعی هر دو جهت صیانت یکدیگر باید دانست و از لشکری که در ایشان ملل مختلف و مذاهب فراوان و انواع حیوانات باشد، تظافر و تظاهر ایشان ممکن نگردد؛ و لشکر ما یک نوع‌اند، تصون یکدیگر از فرایض دانند» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۵۵). چنان‌که ملاحظه می‌شود یاری و پشتیبانی لشکریان از یکدیگر از جمله مهم‌ترین عواملی است که یکدست بودن لشکر را توجیه می‌کند.

۳-۲-۷. وفاداری

دل‌بستگی، علاقه، عشق‌ورزی، انگیزه و روحیهٔ حرفه‌ای باعث پویایی، شادابی، امیدواری، امیدآفرینی، بالندگی و برازندگی می‌شود و بزرگ‌ترین نیروها را برای تحول در حرفه ایجاد می‌کند (ر.ک: قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). در امور لشکررداری تعارض ناشی از تحزب و چنددستگی لشکر تعارض ساختاری را به دنبال دارد. این تعارض باعث گسست بنیادین در لشکر و ناکارآمدی آن می‌شود. در چنین لشکری هرکدام از گروه‌ها اهداف و روش‌های خود را دنبال می‌کنند که این امر، اصول و اهداف اصلی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به همین سبب در *روضهٔ العقول* یکی از اسباب نابودی حکومت «تحزب لشکر» گفته شده است (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۱۱۱) و یکی از وظایف پادشاه به‌عنوان فرمانده کل سپاه حفظ اتحاد و یکپارچگی در لشکر و از میان بردن اختلافات است و باید دربارهٔ این امر کاملاً محتاط باشد: «پادشاه از تغیر عوام و تحزب لشکر احتیاط کرد» (همان: ۱۰۳). لشکریان متحد به فرمانده خود وفادارند و برای پیشبرد اهداف ازپیش‌تعیین‌شده تا پای جان می‌کوشند.

۳-۲-۸. شجاعت

شجاعت را به معنای استقامت و اعتدال در قوه غضبیه دانسته‌اند؛ به این معنا که انسان تحت فرمان عقل از انحراف به دو سوی افراط یعنی تهور و تفریط یعنی ترس مصون باشد. براساس این تعریف انسان شجاع کسی است که در عین داشتن قدرت روحی و قوت دل، خشم و غضب خود را با نیروی عقل مهار می‌کند (ابن مسکویه، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۰). شجاعت در کنار حکمت، عدالت و عفت از فضایل چهارگانه اخلاقی است که شایسته است همه انسان‌ها به آن متخلق باشند. اما میدان نبرد با دشمن بهترین صحنه‌ای است که شجاع را از ترسو می‌نمایاند؛ به همین دلیل یکی از صفاتی که لشکریان باید بدان آراسته باشند شجاعت است؛ چنان‌که در *روضه‌العقول* می‌خوانیم: «قوت بی‌جرئت و حسن بی‌ملاحظت و شجاعت بی‌مجاهدت و نسب بی‌فضیلت مفید نیست» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۹۳). در این کتاب بارها صفت شجاع در کنار نام لشکر استفاده شده است: «اندر او درویش و کاهل نباشد؛ بلکه از تجار متمول و اطبای حاذق و منجمان ماهر و لشکر شجاع با آلت و عدت تمام موشح بود» (همان: ۱۱۳؛ نیز ر.ک: ۱۳۱، ۳۴۷، ۳۵۹، ۳۸۴).

۹-۲-۳. پرهیز از شیبخون زدن

مرزبندی‌های رزمی و جوانمردی از جمله اخلاق حرفه‌ای نیروهای نظامی است. نیروهای نظامی باید بدانند چرا نبرد می‌کنند و نباید از موازین اخلاقی سرپیچی کنند و از حیل‌های ناجوانمردانه مانند شیبخون زدن که به صورت ناگهانی بر دشمن حمله می‌شود پرهیزند. شیبخون به معنای شبنون است و آن تاخت بردن باشد بر سر دشمن چنان‌که غافل و بی‌خبر باشد (برهان قاطع: ذیل واژه).

هرچند شیبخون یک شیوه راهبردی در جنگ محسوب می‌شود، چندان مقبول و پسندیده نیست. «نکته جالبی که از سروده‌های حماسی برمی‌آید، این است که بیشتر حماسه‌سرایان شیبخون را عملی ناجوانمردانه و ناپسند می‌دانند» (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در *روضه‌العقول* گفته شده شیبخون زدن دستاویز انسان‌های ناتوان و ضعیف است: «شیبخون تمسک عاجزان است، و هجوم در تاریکی شب عروه ضعیفان» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۶۷). این نظر نشان‌دهنده باور ایرانیان باستان و یادآور ابیات زیر است:

شیبخون بود پیشه بددلان ازین ننگ دارند جنگی یلان

(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۵۳)

کسی کو بلا جست، گرد آن بود شیخون نه کردار مردان بود

شیخون نسازند گنداوران کسی کو گراید به گرز گران

(فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۹۱)

فرخی سیستانی در مدح مسعود غزنوی سروده است:

از شیخون و کمین ننگ آید او را روز جنگ دوست دارد جنگ لیکن بی شیخون و کمین

(فرخی سیستانی، ۱۴۰۰: ۱۳۵)

۳-۲-۱۰. پرهیز از غارت

هرچند در روزگاران گذشته غنیمت و غارت یکی از انگیزه‌های اصلی برای جنگ بوده است، همواره سفارش‌هایی درباره منع تعرض به اموال غیرنظامیان و رعایت حقوق مالی آن‌ها در متون دینی و غیردینی دیده می‌شود. در آیه ۹۴ سوره نسا آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَّبُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ آتَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَيَّبُوا إِنْ اللَّهُ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (ای اهل ایمان، چون در راه خدا [برای جهاد با کفار] بیرون روید [در کار دشمن] تحقیق و جستجو کنید و به آن کس که اظهار اسلام کند و به شما سر تسلیم فرود آورد نسبت کفر دهید تا [مال و جان]ش را بر خود حلال کنید و [از متاع ناچیز دنیا چیزی غنیمت برید، که غنایم بی‌شمار نزد خداست. اسلام شما هم اول امر همچنین اظهار و تسلیمی بیش نبود تا وقتی که خدا بر شما منت گذاشت، پس اکنون باید تحقیق کنید که خدا به هر چه کنید آگاه است).

دقت در این آیه نشان می‌دهد که انگیزه مادی نباید عامل ایجاد جنگ باشد. در روضه العقول ضمن آنکه پادشاه به رعایت حقوق مردم در جنگ فراخوانده شده، عواقب شوم وحشیگری و تخریب و تحقیر یادآور شده است: «هر پادشاه که به استیحا ش لشکر و تخریب ولایت و تحقیر فضلا و تعنیف امثال و قبیح سیرت راضی شد، روزگار به اندک مدت صورت نباهت و نقش رفاهت از صحیفه اقبال او محو گرداند» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). درباره غارت نیز شیر در باب شاه شیران با شاه پیلان، با صراحت لشکریان خود را از

آن برحذر داشته شده است: «از نهب و غارت تحزر نمایند، که بسیار فترت سبب غارت افتاده است» (همان: ۳۸۶). بدین ترتیب مشخص است که آنچه در روضه العقول تأکید شده کاملاً اخلاق‌گراست و حقوق مردمان به‌ویژه غیرنظامیان مغلوب در آن لحاظ شده که عاقبت بی‌توجهی به آن وخیم و جبران‌نشدنی است.

۳. نتیجه‌گیری

گرایش به ارزش‌های اخلاقی در نهاد آدمی وجود دارد. متون ادب فارسی با توجه به این گرایش فطری و اصیل گنجینه‌ای سرشار از اخلاقیات محسوب می‌شوند و روضه العقول، کتاب منشور قرن ششم، از جمله آن‌هاست. روضه العقول اثری داستانی با محتوای اندرزی و تعلیمی است. این کتاب در ردیف مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه از نظر داستان‌پردازی و بیان مسائل اخلاقی و اندرزی قرار می‌گیرد. بررسی این کتاب نشان می‌دهد که لشکریان جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در حکومت و بین طبقات مختلف جامعه داشته‌اند و بر رسیدگی به امور آنان بسیار تأکید شده است. ازسوی دیگر، برخورداری از صفات اخلاقی به‌عنوان عاملی اساسی در بهبود عملکرد لشکریان در این کتاب به شکل برجسته‌ای مورد توجه قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد اخلاق حرفه‌ای لشکریان در روضه العقول دارای نه مؤلفه اساسی است که عبارت‌اند از: صلح‌طلبی و پیشی‌نگرفتن در جنگ، داشتن تعهد و تخصص، صبر و استقامت و تحمل شدائد، رعایت سلسله‌مراتب و اطاعت از مافوق، آگاهی و آمادگی در برابر دشمن، یاریگری، وفاداری، شجاعت، پرهیز از شیخون زدن و پرهیز از غارت.

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۵۸). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: جمهوری.
۲. نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه علی دشتی. قم: مشهور.
۳. اسدی طوسی، علی بن احمد. (۱۳۵۴). گرشاسب‌نامه. به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: کتابخانه طهوری.

۴. ابن مسکویه، احمد بن محمد. (بی تا). **تهذیب الاخلاق**. بیروت: مکتبه الثقافه الدینیة.
۵. برهان، محمدحسین بن خلف. (۱۳۹۱). **برهان قاطع**. تصحیح محمد معین. تهران: امیرکبیر.
۶. جمالی، شهروز، لیان، لیلا، و صادقی شهپر، رضا. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و نگرش به زنان در کتاب‌های سیاست‌نامه، روضه العقول، سندبادنامه و فرائد السلوک. **سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی**، شماره ۵۹، ۱۴۰-۱۵۷.
۷. جمالی، شهروز، لیان، لیلا، و صادقی شهپر، رضا. (۱۳۹۸). اتحاد دین و سیاست از نظرگاه روضه العقول (مرزبان‌نامه بزرگ ساسانی). **مطالعات هنر اسلامی**، شماره ۳۶، ۱-۲۲.
۸. جمالی، علی اصغر، و رستمی، محمود. (۱۳۸۰). **تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ**. تهران: نشر امام علی (ع).
۹. حاجی پور، حبیب. (۱۳۹۸). بررسی و مقایسه کیفیت آموزه‌های تعلیمی در حکایت «مناظره دیو گاوپای با مرد دینی» از روضه العقول با حکایت «دیو گاوپای و دانای دینی» از مرزبان‌نامه. **جستارنامه ادبیات تطبیقی**، شماره ۹، ۷۵-۱۰۰.
۱۰. حسن زاده، محمدحسین. (۱۳۹۰). شیخون در شاهنامه. **فصلنامه کاوش‌نامه**، ۱۲(۲۲)، ۱۰۵-۱۳۰.
۱۱. حسینیان، سیمین. (۱۳۹۹). **اخلاق حرفه‌ای در مشاوره**. تهران: کمال تربیت.
۱۲. خواجه نظام الملک. (۱۳۴۴). **سیاست‌نامه**. تصحیح مرتضی مدرس‌سی چهاردهی. تهران: زوار.
۱۳. رضایی، صادق، و کریمی خویگانی، روح‌الله. (۱۳۸۰). نگرشی تحلیلی به چرایی سلسله مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی. **فصلنامه پژوهش‌های دانش‌انظامی**، ۲۲(۳)، ۱۷۵-۲۰۳.
۱۴. روستا، جمشید. (۱۳۹۴). بررسی زمینه‌های تاریخی ورود زبان و ادب فارسی به قلمرو سلاجقه روم. **نشریه ادب و زبان**، ۱۸(۳۷)، ۱۰۳-۱۲۶.
۱۵. ریچارد سون، اف. ام. (۱۳۶۵). **روحیه جنگی؛ عوامل روانی در جنگ**. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: دانشگاه امام حسین (ع).

۱۶. زمانی فریزه‌ندی، منوچه. (۱۳۸۱). اخلاق کارگزاران اسلامی و تطبیق آن با اخلاق کارگزاران سیستم بانکی. فصلنامه بانک صادرات ایران، ۲۰(۴)، ۷۶-۷۰.
۱۷. ژکس. (۱۳۵۵). فلسفه اخلاق: حکمت عملی. ترجمه ابوالقاسم پورحسینی. تهران: سیمرغ.
۱۸. غازی ملطیوی، محمد بن غازی. (۱۳۸۳). روضة العقول. تصحیح محمد روشن و ابوالقاسم جلیل‌پور. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۹. فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ. (۱۴۰۰). دیوان. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.
۲۰. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). شاهنامه براساس چاپ مسکو. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
۲۱. فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۰). کار در فتوت‌نامه‌ها (مرام‌نامه‌های صنفی - طریقتی، خودانگیخته و خودپذیرفته پیشه‌وران ایرانی). مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲(۸)، ۳۶۱.
۲۲. قراملکی، احد فرامرز. (۱۳۸۸). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. چ ۲. تهران: انتشارات سرآمد.
۲۳. ماکسول، جان. (بی‌تا). اخلاق حرفه‌ای در مدیریت. ترجمه شمس آفاق یاور. بی‌جا: بی‌نا.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳). ترجمه بحار الانوار. ج ۴۰. تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولیعصر (عج).
۲۵. موسوی سیرجانی، سهیلا، و منصوری، مهدیه. (۱۳۹۵). سنایی و اخلاق حرفه‌ای. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی (زبان و ادبیات فارسی)، ۱۲(۴۲)، ۲۵۷-۳۰۰.
۲۶. نظری، جلیل. (۱۳۷۹). آثار ادبی پارسی در روم شرقی تا قرن هفتم. مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۳۹، ۲۸-۳۳.
۲۷. نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت الحیاء التراث.

26. Warde, A. (2017). **Consumption: A Sociological Analysis**. London, UK: Palgrave Macmillan.

